

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی بر بخشی از فضای فکری و فرهنگی عصر نخست خلافت عباسیان (۱۳۲ - ۲۳۲ ه.ق)

(پژوهشی)

دکتر عبدالرفیع رحیمی*

پوریا اسمعیلی**

چکیده

نثر فنی در روزگار ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ م.) موضوعات گوناگونی را در بردارد که متون دینی پهلوی را نیز شامل می‌شود. در واقع ساختار حکومت ساسانیان که بر پایه آئین زرتشت استوار بود باعث شد تا عمده منابع آن دوران به مسائل دینی اختصاص یابد. با سقوط دولت ساسانی دیانت زرتشت در انزوا قرار گرفت و به همین دلیل روحانیون زرتشتی جهت جلوگیری از نابودی آن به تألیف کتب ادامه دادند تا از این طریق هویت و فرهنگ ایرانی را در برابر اسلام حفظ نمایند بویژه در زمان خلافت عباسیان و با تأسیس بیت الحکمه ایرانیان فرصت یافتند تا علاوه بر نگارش کتاب به ترجمه آن نیز بپردازند تا به نوعی بر فضای فکری و فرهنگی عصر نخست خلافت عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ه.ق) تأثیرگذار باشند. این نوشتار با استفاده از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل، ابعاد این موضوع را بررسی می‌نماید. یافته‌های اصلی پژوهش نشان می‌دهد که تألیف متون پهلوی دینی باعث شد تا رسوم و سنن ایرانیان در جامعه اسلامی اشاعه یابد و از طرفی هم پیروان ادیان دیگر نتوانند همانند زرتشتیان از نفوذ زیادی در دربار عباسیان برخوردار باشند و از این نظر با توجه به موقعیت جغرافیایی و جمعیتی ایران و مردمان نومسلمان

* استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،

aghabeigom@yahoo.com

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین

المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران، Historian.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۳۶

این سرزمین که به قوم عرب نزدیکی بیشتری داشتند برخلاف مسیحیان که هنوز به بیزانس علاقه نشان می دادند مجبور بودند تا با اقدامات فرهنگی خاطره ساسانیان را زنده بدارند و بدین صورت مدنیت خود را حفظ کنند.

کلیدواژه‌ها: متون پهلوی دینی، روحانیون زرتشتی، ساسانیان، عباسیان، آداب و سنن ایرانی

۱. مقدمه و بیان مسئله پژوهش

روحانیون و اندیشمندان زرتشتی جهت حفظ دین و فرهنگ و سنن ایرانی کتابهای زیادی را به رشته تحریر درآوردند و یا با بازنویسی، ترجمه و اصلاح کتب قدیمی بویژه در دوران نهضت ترجمه هویت ایرانی را حراست نمودند و نیز توانستند با اشاعه دیانت خویش بر افکار مردم و در کل فضای جامعه تأثیر بگذارند و حتی با علمای اسلام نیز به مناظره پرداختند و با مقایسه آئین زرتشت با اسلام بسیاری از قوانین شرعی و احکام را با هم تطبیق دادند و شباهت های بین این ادیان را متذکر شدند و از این طریق در جامعه اسلامی به مشروعیتی رسیدند. در این راستا تحقیق حاضر با بهره گیری از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل به تأثیر تعداد اندکی از ترجمه متون پهلوی دینی بر قسمتی از فضای فکری و فرهنگی قرن دوم هجری قمری یعنی عصر نخست خلافت عباسیان می پردازد. علت انتخاب این موضوع چنین است که تألیف و ترجمه این کتب تأثیرات خاصی در حوزه های مختلف اندیشه، علمی، فرهنگی و اجتماعی در آن دوران داشت به طوریکه خلفا هم در نحوه اداره سرزمینهای اسلامی تا حدود بسیاری تحت تأثیر این متون قرار داشتند. از طرفی هم این اقدامات موجب شد تا آئین زرتشت در کنار سایر ادیان الهی با توجه به پشتکار و خستگی ناپذیری بزرگان این دین تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد که با در نظر گرفتن مسائل گوناگون آن زمان کاملاً مشهود است. بنابراین سوال اصلی مقاله این است که، ترجمه متون پهلوی دینی بر فضای فکری و فرهنگی قرن دوم هجری قمری چه تأثیری داشت؟ فرضیه حاصله چنین است که ترجمه متون پهلوی باعث شد تا خلفای و برخی از اندیشمندان و وزرای عباسی جهت استحکام دستگاه خلافت از تفکر، تجارب و نیز دانش پیروان مذاهب دیگر همچون

زرتشتیان در جهت استحکام حکومت بهره برداری نمایند. پیرامون پیشینه موضوع، تاکنون تحقیقاتی با تفاوتی به شرح ذیل انجام شده است: (بررسی اهداف ابن مقفع از ترجمه متون پهلوی به زبان عربی)، از دکتر جمشید باقرزاده و محمد رضا بیگی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ دانشگاه آزاد بجنورد، به سال ۱۳۹۲، در این مقاله نویسندگان تنها به معرفی آثار ابن مقفع پرداخته اند و نیز مقصود وی را از این اقدام فرهنگی که تأثیرگذاری بر جامعه عصر عباسی بود را بیان نموده اند اما با توجه به عنوان پژوهش به تأثیرات سایر منابع پهلوی دینی اشاره ای نشده است. (بررسی دیدگاه و انگیزه های ابن مقفع از ترجمه متون پهلوی به زبان عربی)، تألیف علیرضا حسینی، پوریا اسماعیلی (و دیگران) در سال ۱۳۹۲، نویسندگان این کتاب تلاش نمودند جنبش علمی نهضت ترجمه را در قالب نهضت شعوبیه بیان کنند و با فضا سازی و معرفی عصر نخست خلافت عباسیان به بررسی انگیزه های ابن مقفع پرداخته اند، آثار وی را معرفی نموده و تأثیرات آن را بر جامعه عصر عباسی نشان داده اند. در این کتاب نیز تنها ترجمه های ابن مقفع یعنی متون پهلوی غیر دینی مد نظر نویسندگان بوده است و به تأثیرات متون پهلوی دینی پرداخته نشده است. (تاریخ الادب العربی اثر شوقی ضیف در سال ۱۹۶۰)، به طور کلی نویسنده در این کتاب به تاریخ ادبیات عرب پرداخته است که در این زمینه کتابی عمومی به شمار می رود و تنها در بخشی از آن به اختصار بخشی از منابع پهلوی را معرفی کرده است. (مقایسه جنبه های مختلف اندرزنامه اردشیر ساسانی و وصیت نامه منصور عباسی)، از بهرام امانی چاکلی و رقیه منافی، دو فصلنامه علمی - ترویجی سخن تاریخ در سال ۱۳۹۴، در این مقاله تنها به مقایسه و تأثیرپذیری منصور عباسی از این اندرزنامه عصر ساسانی پرداخته شده و به سایر تأثیرات در ابعاد دیگر اجتماعی و سیاسی به خاطر جزئی بودن موضوع پژوهش اشاره ای نشده است. (بررسی تطبیقی زبان و ادبیات عصر ساسانی با زبان و ادبیات عرب در قرن دوم هجری قمری)، تألیف علیرضا حسینی و پوریا اسماعیلی در سال ۱۳۹۲، نویسندگان این کتاب هم تنها ادبیات دو دوره تاریخی را مقایسه نمودند و بیشتر به جنبه ادبی در حوزه نظم و نثر پرداخته اند تا جنبه های سیاسی و اجتماعی و تأثیرات متون پهلوی دینی بر قرن دوم هجری قمری. بدین ترتیب در پژوهشهای مشابه تنها

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۳۸

ترجمه متون غیر دینی از جمله کتابهای حماسی، آئین نامگ ها و حقوقی ساسانیان مد نظر بوده و به متون دینی کمتر پرداخته شده است، لذا در نگارش این مقاله سعی شده است تا تحقیقی جامع درباره موضوع فوق ارائه گردد تا از این طریق تا تأثیرات متون پهلوی دینی ساسانیان بر جامعه عصر عباسیان نشان داده شود. در آخر باید بدین نکته مهم اشاره کرد که در مقاله حاضر صرفاً به مهمترین منابع پهلوی اشاره خواهد شد که تا حدودی بر فضای سیاسی و اجتماعی قرن دوم هجری تأثیرگذار بودند نه سایر دورانهای خلافت پانصد و بیست و چهار ساله عباسی، ضمن اینکه تعدادی متون پهلوی در قرنهای سوم و چهارم هجری مانند: روایات پهلوی و برگزیده زاد سپرم، ارداویراف نامه و امثال اینها ترجمه و یا حتی تألیف شدند که بر افکار مسلمانان اثر گذاشتند، به هر صورت با توجه به موضوع جزئی و محدود مقاله به آنان اشاره نمی شود.

در این قسمت به صورت کلی و گذرا صرفاً جهت آشنایی خوانندگان، اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی صد سال نخست خلافت عباسیان بررسی می شود.

۲. نگاهی گذرا به وضعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر نخست عباسیان (۲۳۲-۵۱۳۲.ق)

در این قسمت، فضای سیاسی و اجتماعی دوره نخست خلافت عباسی برای پرداختن به موضوع پژوهش و آشنایی با محیط آن دوران به اجمال بررسی می شود. خلافت عباسی نزدیک به ۵۲۴ سال از سال ۶۵۶-۱۳۲ ه.ق/۱۲۵۸-۷۵۰م ادامه داشت که با خلافت ابوالعباس سفاح آغاز و با مرگ عبدالله مستعصم پایان یافت و به وسیله مغولان ساقط گردید. پژوهشگران، عصر نخست این خلافت را دوران نیرومندی و شکوفایی تمدن اسلامی نامیدند که از سال ۱۳۲ تا ۲۳۲ ه.ق به طول انجامید. خلفای آن دوره به تمرکز و اداره دقیق دولت پرداختند. مؤسس دولت عباسی ابوالعباس سفاح (۱۳۶-۵۱۳۲.ق) بود. وی فرمانروایی امویان را طی مراحل و با کمک ناراضیان خلافت ساقط کرد و شهر انبار در عراق را مرکز خلافت خویش قرار داد. پس از او برادرش ابوجعفر منصور (۱۵۸-۵۱۳۶.ق) به خلافت

رسید و شهر بغداد را در سال ۱۴۹ه.ق بنا نمود و آن را مرکز خلافت قرار داد و در عمران و آبادانی آن کوشید؛ به طوری که یاقوت حموی می‌نویسد: «منصور آنجا را با خوش‌بینی به بهشت جاودان و یا شاید به آن سبب که دره دجله را وادی اسلام نامیدند تا مدینه اسلام خواند که بر اسناد سکه‌ها و اوزان نیز ذکر شده بود». (حموی، ۱۳۲۳ه، ج ۴: ۶۰۴) وی راه‌ها را تا حدود بسیاری امن و منزلگاه‌ها و رباط‌های متعددی احداث کرد. (یعقوبی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۳۷۹) این شهر در دوران خلافت هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ه.ق) به اوج رسید؛ زیرا زوجه‌اش زبیده و وزیرش جعفر برمکی، قهرمانان بسیاری از قصه‌های خیال‌انگیز هزار و یک شب شدند. دربار هارون میعادگاه شاعران، مطربان، قصه‌گویان، آوازه‌خوان‌ها، مترجمان، منجمان و اطبا شد؛ چنانچه پسرانش مأمون و معتصم، بیت‌الحکمه و مجالس علمی و وجود مترجمان و علما را نیز همانند یک زیور تازه به جلال و شکوه دربار پدر افزودند و بدین‌گونه هارون و فرزندانش بغداد را کانون درخشان تمدن و فرهنگ شرق نمودند. (زرّین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۵) از طرفی در روزگار عباسیان مخصوصاً منصور عباسی، شورش‌های بسیاری به وقوع پیوست؛ از جمله خروج استادسیس در سیستان و شرق ایران که به‌وسیله خازم‌بن خزیمه سرکوب شد (یعقوبی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۳۸۰)، تحرک خوارج در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه در سیستان و خراسان (مؤلف گمنام، ۱۳۱۴: ۱۴۶)، جنبش راوندیان که برای خونخواهی از قتل ابومسلم خراسانی پدید آمد و به فرمان منصور جمع کثیری از آنان زندانی و عده‌ای نیز هلاک شدند (دینوری، ۱۳۸۴: ۴۲۴؛ طبری، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۹۵) و قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم که نخستین قیام علویان در روزگار عباسیان بود و به شکست انجامید (همان: ۴۲۲). در دوران ابو عبدالله مهدی نیز، شورش مقنّع که ادعای پیامبری داشت (نرشخی: ۱۳۶۳: ۹۰) و در دوره هادی، قیام شهید فخر (یعقوبی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۴۰۴) و در خلافت هارون الرشید، قیام یحیی بن عبدالله (طبری، ۱۳۶۲، ج ۴: ۶۲۸)، شهادت امام موسی کاظم (ع)، شورش حمزه آذرک در سیستان و سقوط خاندان برامکه (همان: ۶۵۷) به وقوع پیوست. در روزگار مأمون، وی پس از قتل برادرش امین، امام رضا (ع) را به شهادت رسانید و سپس، خاندان طاهریان در خراسان استقرار یافتند. از این زمان تا اواسط خلافت المعتصم بالله، نهاد

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۰

خلافت با شورش بابک خرم‌دین درگیر شد که در نهایت در این دوران، این جنبش که سالها خلفا را به خود مشغول کرده بود با قتل بابک، سردمدار آن که مروج استقلال‌خواهی و تأثیرپذیر از مزدکیان عصر ساسانی بود، خاتمه یافت (یعقوبی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۴۷۱؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۳۰)؛ بدین ترتیب، حکومت عباسی نزدیک به یک قرن با مخالفان خویش جنگید و چون در این زمان در اوج قدرت به سر می‌برد، توانست آشوب و هرج و مرج را فرو نشاند؛ از سویی با سقوط امویان، اقتدار اعراب از میان رفت و دولت عباسی که با پشتوانه ایرانیان به قدرت رسیده بود، اعتماد چندانی به عناصر عربی نداشت و به آنها اجازه قدرت‌یابی و تسلط بر امور کشور را نمی‌داد و مشاغل مهم را به ایرانیان می‌سپرد (آیتی، ۱۳۷۲: ۷۲)؛ بدین صورت، ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی جایگاه ویژه‌ای یافتند (ضیف، ۱۹۶۰: ۲۴)؛ به نحوی که سرداران بزرگ سپاه، وزیران، حجاب، والیان و دبیران همه از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند. ایرانیان قصرهای خلفا را در بغداد به سبک کاخ‌های ساسانی در مدائن درآوردند. (آیتی، ۱۳۷۲: ۷۲) لازم به ذکر است که نفوذ و سیطره ایرانیان چنان بود که مراکز خلافت را تغییر می‌دادند؛ به گونه‌ای که مرکز خلافت را از دمشق به کوفه و سپس به بغداد که به خراسان نزدیک بود، منتقل کردند؛ بنابراین بسیاری از محققان، عصر عباسی را دوره اختلاط عرب با غیرعرب نامیده‌اند. علت این امر آن بود که ایرانیان و دیگر نژادها در دربار عباسیان حضور چشمگیری داشتند (الفاخوری، ۱۹۶۰: ۵۱۹) تا جایی که در دوران عباسی، رخنه ایرانیان در دستگاه حکومت به جایی رسیده بود که جاحظ را واداشت در وصف آن چنین بگوید: «دولت عباسیان دولت غیرعرب و خراسانی بود و دولت مروانین عربی و بیابانی». (جاحظ، ۱۹۸۶: ۵۱۹) این نفوذ باعث شد تا علم نحو، حدیث، فقه و کلام را هم عجمان تفسیر نمایند. (حقیقت، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

پس خلفای عباسی به نوعی وارث حکومت ساسانی شدند که تأثیرات آنها در بسیاری از شئون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عباسیان هویداست. (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۴۱۷) جاحظ تأثیرپذیری عباسیان از ساسانیان را چنین بیان نموده‌است: «باید سخن را از شاهان ایران آغاز کنیم که پیشگام این کار بودند و ما قوانین حکومت و کشورداری را از آنها گرفتیم و همچنین،

چگونگی اداره امور و انتظام طبقات خواص و عوام و واداشتن هر طبقه به کار خود را از آنها آموختیم» (جاحظ، ۱۹۱۴: ۲۰۶)؛ با این حال، نابرابری و تبعیضی که در این عصر وجود داشت، سبب گردید تا نهضت شعوبیه (اواسط قرن دوم ه.ق) با استناد به این آیه شریفه قرآن کریم شکل بگیرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ترجمه: ای گروه مردم به درستی که ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شعبه ها و قبیله ها گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. به درستی که گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و خداوند دانا و آگاه است. (سوره حجرات/ آیه ۱۷)

در واقع، این اقدام ایرانیان بیشتر بدین خاطر بود که فاتحین عرب خود را برتر از ساکنان ایران زمین می پنداشتند و حکومت خویش را بر اصل سیادت عربی قرار داده بودند. عرب، مسلمانان دیگر را موالی یا بندگان خود می نامید. تحقیر و ناسزایی که در این نام ناروا وجود داشت کافی بود که همواره ایرانیان را نسبت به اعراب بدخواه و پر کینه نگهدارد. نظام حکومتی اشرافی اعراب آزادگان و نژادگان ایران را مانند بندگان درم خرید از تمام حقوق مدنی و اجتماعی محروم کرده بود. ایرانی نمی توانست به هیچ کار آبرومند بپردازد. حق نداشت سلاح بسازد و بر اسب بنشیند. اگر یک نژاده ایرانی دختری از بیابان نشینان بی نام و نشان عرب را به زنی می گرفت یک سخن چینی کافی بود که طلاق و جدایی را بر زن و شلاق و زندان را بر مرد تحمیل نماید. حکومت و قضاوت نیز همه جا مخصوص عرب بود. (بویس، ۱۳۸۵، ۵۵)

بنابراین ایرانیان تصمیم گرفتند از طریق نهضت فرهنگی، تمدن و فرهنگ ایران زمین را حفظ نمایند و آن را نیز به فاتحان مسلمان تحمیل کنند تا بدین شکل، هویت ایرانی را در کنار اسلام قرار داده و به دستگاه خلافت وارد شوند و طرز حکومت را به فرمانروایان مسلمان بیاموزند؛ بنابراین، طبقات ممتاز جامعه یعنی دبیران و وزرا و حتی شاعران، نویسندگان و مترجمان بدین امر همت گماشتند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۲: ۱۲۱)؛ از این رو، با ظهور نهضت ترجمه مترجمانی همچون ابن مقفع سعی کردند تا در کنار سایر متونی که از زبان‌های دیگر

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۲

نقل می شد، با ترجمه متون پهلوی به زبان عربی، هم مدنیت ایرانیان را به عرب‌ها یادآوری کنند و هم با معرفی نظام دیوانسالاری ساسانیان آنان را برای اداره قلمروهای خلافت اسلامی یاری رسانند و از سویی نیز، این آثار کهن را در جهان اسلام حفظ نمایند. (حسینی و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۵۶) به هر طریق آنان با پیوند علوم مختلف عصر باستان، فرهنگ و تمدن اسلامی را شکوفا ساختند. ابن خلدون در این باره می‌گوید: «... و مصداق گفتار پیامبر (ص) آشکار شد، آنجا که گفت: اگر علم با کفاف آسمان باز بسته باشد، قومی از اهل فارس بر آن دست خواهند یافت...». (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۴۹)

تأثیر پذیری خلفا از ترجمه آثار پهلوی به عربی و نیز، وضع اصطلاحات علمی در زبان عربی به وسیله عبدالله ابن مقفع، دانشمند ایرانی باعث شد تا در دوران خلافت هارون (۱۷۰-۱۹۳) و پسرش مأمون (۲۱۸-۱۹۸)، بیت‌الحکمه که مرکز تجمع دانشمندان و اهل فضل و ادب بود، برای ترجمه متون گوناگون از زبان‌های مختلف ایجاد شود (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۳)؛ بدین ترتیب، دوران عباسی به عصر طلایی ترجمه شهرت یافت؛ به طوری که علاوه بر ترجمه متون پهلوی کتاب‌های زیادی از یونانی، هندی و سریانی به عربی برگردانده شد که همین امر، اعتلای علمی و فرهنگی جهان اسلام را به ارمغان آورد. (صفا، ۱۳۵۶: ۴۸)

بررسی برخی از متون پهلوی دینی و تأثیرات آنان بر عصر نخست عباسیان (۱۳۲ - ۲۳۲.ه.ق)

با سقوط ساسانیان، روحانیان و بزرگان ایرانی جهت حفظ میراث کهن خویش در برابر آئین نوظهور اسلام به پا خاستند و در قالب نهضت شعوبیه به فعالیت پرداختند. با شکل‌گیری نهضت ترجمه در دوران حکومت عباسی و حمایت وزرای ایرانی همچون خاندان برامکه و نیز علاقه خلفای اسلامی به نقل کتب و ترجمه و تمرکز آنها در بغداد و همچنین تجمع دانشمندان و اهل فضل و ادب و مترجمان در بیت‌الحکمه، عصری جدید گشوده شد. (صفا، ۱۳۵۶: ۴۸)

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۳

بنابراین ایرانیان با توجه به شرایط پیش آمده، در کنار مترجمان متون یونانی، سریانی و هندی به ترجمه متون پهلوی همت گماشتند. متون غیر دینی نظیر؛ آئین نامگ، تاج نامگ و خدای نامگ توسط ابن مقفع به عربی نقل گردید تا مسلمانان آداب کشورداری ساسانیان را الگوی خویش قرار دهند و موبدان نیز به نگارش و یا ترجمه کتب دینی روی آوردند. (زرین کوب،

۱۳۸۲: ۹۱)

آنان با این اقدام قصد داشتند تا از سویی، دیانت زرتشت را احیاء نمایند و از سویی دیگر، در جامعه اسلامی بدان مشروعیت ببخشند تا از جایگاه و موقعیت ممتازی بهره مند شوند. بدین ترتیب در ابتدا اصلاحات دینی خویش را با لغات و مفاهیم اساسی تطبیق دادند. به عنوان مثال: کیومرث را با آدم ابوالبشر(ع)، سوشیانس را با اندیشه مهدویت، معراج حضرت محمد(ص) را با ارداویراف، بهشت و برزخ و دوزخ در اوستا را با نمونه قرآنی آن، اسرافیل، میکائیل و جبرئیل را با سروش، بهرام و سایر ایزدان زرتشتی پیوند دادند. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۷۵)، پل چینود در قیامت را که نیکوکاران و گناهکاران در حضور ایزدان مهر، سروش و رشن از آن گذر می کنند را معرفی و تفسیر کردند. (آموزگار، ۱۳۸۷: ۸۷) و آن را با آیات قرآن کریم مقایسه نمودند و شباهت های زیادی بین آخرت شناسی در دین اسلام و آئین زرتشت یافتند به ویژه آنکه در روایات اسلامی بجای ایزدان، پیامبر گرامی اسلام(ص)، جبرئیل و امام علی(ع) در کنار آن پل حضور دارند و در کل موبدان این سه شخص را با علم و آگاهی معرفی کردند. (الحافظ، ۱۳۵۶ه.ق: ۷۱)

از سویی دیگر، با استناد به سوره حج آیه ۱۷: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

ترجمه: «خداوند در روز قیامت، میان کسانی که ایمان آورده‌اند با کسانی که یهودی شده‌اند و صابئین و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که مشرک شدند، داوری می‌کند، زیرا خداوند بر همه چیز گواه است». و نیز به فرمایش حضرت محمد(ص) که ایرانیان را اهل کتاب نامیدند، خود را یکتاپرست خواندند تا از این طریق سخنان ایشان در میان مسلمانان از ارزش و اعتبار

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۴

برخوردار باشد. البته حکومت اسلامی نیز در آغاز اصطلاح ذمی را به آنان نهاد و این مردمان را اهل کتاب خواند. (فرای، ۱۳۸۰: ۳۳)، پس اوستا کتاب آسمانی خویش را عرضه کردند و مسلمان نیز ادعای آنان را پذیرفتند و به قول اشپولر: «نوشته های مجوسان بدین عنوان مورد احترام واقع گشت». (اشپولر، ۱۳۷۹: ۳۳۷)، و این بدان خاطر بود که در گاتها^۱ مانند قرآن کریم اهورامزدا هستی بخش و آفریدگار بزرگ معرفی شده است: «... اوست داور دادگر، آفریننده راستی و نیکخواه مخلوقات، هیچ قدرتی حکمتش را فریفتن نتواند...» (پوردادو، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

بدین ترتیب روحانیان توانستند با ارائه مستندات معتبر آن هم در روزگار عباسیان که مانند عصر اموی تعصب و خشک اندیشی غالب نبود از عقاید خویش دفاع نمایند و بر حجم کتب دینی بیافزایند به طوریکه بسیاری از رساله دینی را یا ترجمه نمودند و یا به رشته تحریر در آوردند.

در این میان تعدادی از این متون بر فضای سیاسی و اجتماعی آن دوران تأثیر نهادند که در این پژوهش صرفاً به آن دسته از منابعی پرداخته می شود که بدین صورت تأثیرگذار بودند. بنابراین به شرح ذیل بررسی می شوند:

۲-۱. دینکرد:

با تلفظ denkart (فره وشی، ۱۳۸۱: ۲۵۰)، در مقدمه کتاب پنجم دینکرد ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی آمده است: «دینکرد تحت اللفظی به معنای تألیف دینی است. دین در این کلمه مانند موارد بسیار دیگری نشان دهنده کتاب دینی اوستا و زند اوستا و روایت های مربوط به این کتاب است. این موضوع نشان می دهد که این اثر بر پایه متن های اوستا و ترجمه های آن تدوین شده است؛ دینکرد مطالب گوناگونی را در بر دارد و به درستی می توان آن را دانشنامه مزدیسنی نهاد». (کتاب پنجم دینکرد، ۱۳۸۶: ۱۷)، این اثر مشتمل بر نه

۱- گاتها باستانی ترین بخش اوستاست و آن را سرودهای خود زرتشت می دانند، هفده فصل از هفتاد و دو فصل یسنها را شامل می شود.

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۵

کتاب بوده است که کتاب اول و دوم و بخشی از آغاز کتاب سوم از میان رفته است. (همان: ۱۷)

در کل، این کتاب ارزشمند بیست و یک نسک اوستای عهد ساسانی را به اختصار در مجلد هشتم شرح داده است. بنابراین از مطالعه آن می توان به برخی از نسک های از بین رفته دسترسی پیدا نمود. (صفا، ۱۳۶۹: ۵۲)

این منبع مهم دیانت زرتشت را آذرفرن بغ پسر فرخ زاد موبدان موبد فارس در زمان خلافت مأمون عباسی (۱۹۸ - ۲۱۸ ه.ق) گردآوری نمود و توسط اتوریات پسرهی میت یکی از جانشینان وی تکمیل گردید. این روحانی بزرگ با اقدام خویش قصد داشت تا دین مزدیسنا را قوت بخشد و با معرفی مجدد آن بتواند ایمان پیروان زرتشت در جامعه اسلامی را تقویت نماید و نیز امید داشت تا نومسلمانان به آئین گذشته نیاکانشان بازگردند زیرا فضای اجتماعی دوره عباسی تا حدودی برای این مسئله مناسب بود، چه بسا کسانی بودند که مخفیانه با مساعدت چنین افرادی به دین سابق خویش بازگشتند. از طرفی هم باید به این موضوع اشاره شود که کتابهای سوم، چهارم و پنجم دینکرد بیشتر جنبه کلامی، جدلی و فلسفی دارد که در برگیرنده دفاع منطقی از آئین زرتشت است و مؤلف آن تلاش کرده تا به هر شکلی که ممکن است با استدلال عقلانی از این دین کهن حراست نمایند و نگذارد تا در روزگار غلبه اسلام به ورطه نابودی کشیده شود. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۳۱)

در کتاب سوم سعی شده تا دین زرتشت معتدل نشان داده شود و به اختیار انسان نیز اشاراتی شده که موافق عقاید فرقه معتزله در آن روزگار بود. (همان: ۱۳۲) که این مسئله نشان دهنده آگاهی نویسنده از فرق اسلامی است؛ همچنین وی در فصل های ۲۰۸ و ۲۴۱ کتاب بدون ذکر مأخذ از آیات قرآن کریم نقل می نماید که بیانگر آگاهی او از کتاب آسمانی مسلمانان است. در واقع به نوعی نقایص تألیف خود را برطرف می نماید تا به مشروعیت برسد. (همان: ۱۳۲)

در کتاب ششم هم به اندرزگویی می پردازد و به مسائلی نظیر؛ اعتدال، افراط و تفریط، همنشینی با دانایان و نیکان، صفات نیک و بد، فقر (درویش) در مفهوم خوب و بد آن و غیره

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۶

است می پردازد. (همان: ۱۳۵)، او قصد داشت تا با مطرح نمودن این مسائل به همگان شباهت دو دین زرتشت و اسلام را متذکر شود تا بدین طریق مورد طعن مسلمانان قرار نگیرند و تحت فشار کمتری باشند.

در کتاب هشتم هم بیشتر به مباحث حقوق جزا و زراعت اختصاص دارد. (همان: ۱۳۸) زیرا دیانت زرتشت به آبادانی اراضی اهمیت ویژه ای داده است و در زمان ساسانیان کشاورزی و احکام آن بسیار گسترده بود بطوریکه در دوران اسلامی هم اعراب که از فنون زراعت آگاهی چندانی نداشتند از تجارب ارزنده ایرانیان بهره جستند.^۲

۲-۲. شگند گمانیک وزار (گزارش گمان شکنی):

با تلفظ *sekand gomanik vicar* (فره وشی، ۱۳۸۱: ۳۰۰)، نام تألیفی بحثی و جدلی است که از قسمتهای مختلف آن می توان مفاهیم فلسفی و کلامی را استخراج کرد. به نظر می رسد این اثر قطعه گمشده از کتاب سوم دینکرد باشد که فرنامه آن در در دینکرد و نوشتار آن در فرگرد نهم، شگند گمانیک وزار است. (آذر فرنبغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، ۱۳۸۱: ۷۵) مؤلف آن مردان فرخ پسر اهورمزادات نام دارد که در زمان خلافت مأمون عباسی (۲۱۸ - ۱۹۸ ه.ق) آن را نگاشت. موضوع اساسی آن نشان دادن اختلاف اصلی خوبی و بدی است و اینکه در ادیان دیگر که بدی و خوبی را از یک خدا می دانند، در حقیقت از بزرگی و پاکی او می کاهند و آن ادیان که بد را به بدی نسبت می دهند در واقع به وجود دیگر قائل می شوند. همت مؤلف خاصه به ثابت کردن بطلان و بی اساسی بیانات عقاید یهودیان، مسیحیان و مانویان است. (صدیقی، ۱۳۷۵: ۹۱)، در این کتاب برای اثبات عقاید زرتشتی و مبارزه با

^۲ - جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوران اسلامی با عنوان: نظام زمینداری (کشاورزی) ایران در روزگار ساسانیان و تأثیر آن بر نظام کشاورزی ایران در دوران اسلامی (از زمان سامانیان تا پایان حکومت غزنویان) از پوریا اسمعیلی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۷ مراجعه شود.

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۷

ادیان دیگر از استدلال منطقی به صورت ساده و روان که برای عامه مردم قابل فهم بود استفاده شده تا بدین طریق اکثریت جامعه به درک مطالب آن نائل شوند، از طرفی هم وی کمتر به اسطوره و افسانه یا استناد به نص کتاب اوستا و زند بدون ذکر دلیل منطقی پرداخته است. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۳)

مقصود نویسنده آن است که با یک بحث کلامی آئین زرتشت را به ادیان دیگر برتری دهد تا بتواند جدا از تبلیغ این دین، پیروان آنان را به ضعف دیانت خویش آگاه نماید و در نهایت، جایگاه زرتشتیان را نسبت به آنان در جامعه اسلامی و در زیر لوای تازیان والا جلوه دهد و با این منظور رهروان آن ادیان را به سمت آئین زرتشت بکشاند و بر پیروان این دین کهن بیافزاید و با یک مبارزه فرهنگی در درون جامعه عصر عباسی هویت اصیل ایرانی را محفوظ بدارد و اینچنین تأثیرگذار باشد. از سویی نیز باید به این نکته مهم اشاره نمود که مردان فرخ با ادیان گوناگون همچون؛ مسیحیت، یهودیت و حتی مانویت آشنایی داشت و از اسلام و قرآن هم آگاه بود و با این علم به تألیف کتاب مبادرت ورزیده تا بتواند پاسخ مناسبی به منتقدان دین خویش دهد و شأن زرتشتیان در جامعه اسلامی بالا ببرد. (همان: ۱۶۳)

۲-۳. مادیگان گوژستگ - ابالیش (ابالیش نفرین شده):

با تلفظ *matikan i gizistag abalish* (فره وشی، ۱۳۸۱: ۳۰۷)، درونمایه این کتاب چنین است که ابالیش یکی از زرتشتیان شهر استخر در پارس به نام «دین هرمزد» پس از تازش اعراب به سبب دلخوری از هم کیشان خویش مسلمان می شود و نام خود را عبدالله یا شاید عبدالیث می گذارد و سپس به دربار مأمون در بغداد می رود و با آذرفرن بغ (گردآورنده دین کرت) (*aturfarrobagh*) (فره وشی، ۱۳۸۱: ۴) به مباحثه و مناظره می پردازد و هفت سؤال را در زمینه تطهیر، ثنویت و آئین و مراسم دینی زرتشتیان مطرح می کند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۵) اما در پایان این آذرفرن بغ است که سرافراز و پیروز از این هم سخنی و گفتمان بیرون می آید. (آذر فرن بغ، ۱۳۷۶: ۵)، سرانجام این شکست باعث شد تا از دربار خلیفه رانده شود. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۵)

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۸

درکل این موضوع با توجه به سیاست مأمون در ترتیب دادن چنین مناظره ای و در نهایت پیروزی روحانی زرتشتی در بحث و جدل با ابالیش نشان دهنده قدرت زرتشتیان در عصر نخست عباسیان است که اینطور با آزادی افکار و عقاید خویش را مطرح نمودند و بدین صورت بر افکار مردمی که نسبت به دین زرتشت بدبین شده بودند تأثیر نهادند و باعث شدند تا مردم نسبت به آنان تا حدودی نرمش پیدا کنند. البته لازم به ذکر است شکست ابالیش نومسلمان به خاطر عدم تسلط وی بر احکام اسلامی بود و گرنه با توجه به قوی بودن فقه اسلامی می توانست پیروز این بحث و جدل باشد، با این حال زرتشتیان از این مناظره بهره ای وافر بردند.

۲-۴. یادگار بزرگمهر بختگان:

با تلفظ *buxtakan* (فره وشی، ۱۳۸۱: ۷۷)، این اثر به پندهای بزرگمهر حکیم وزیر دانشمند انوشیروان ساسانی (۵۲۱-۵۷۹ م) دلالت دارد. به عقیده برخی از محققان ظاهراً اندرزنانه بزرگمهر حکیم در قرن دوم هجری نقل شده است. وی در ضمیر ایرانیان منزلتی بی همتا داشت و پس از فتح ایران در دل اعراب نیز جایگاهی رفیع یافت و آنچه بیش از هر چیز مایه شهرت او شد حکمت و تدبیر اوست. (حسینی و اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۴۳)

به طور کلی ترجمه عربی این پندنامه در ادبیات عرب شهرتی فراوان یافت و بر مؤلفات ادبی عرب هم تأثیر گذاشت. از طرفی هم مأمون به مطالعه آن علاقه داشت و این مسئله تأثیرپذیری وی را از فرهنگ و تمدن ایرانی نشان می دهد. بزرگمهر در پندنامه خویش خطاب به انوشیروان ساسانی چنین می گوید: «... نخست: ترس از خدا در شهوت و رغبت و ترس و خشم و هوس، و می باید در همه این موارد خدا نه خلق را منظور داشته باشی. دوم: راستی در گفتار و کردار و وفا به وعده و شرط و عهد و پیمان. سوم: مشورت با علما در حادث امور. چهارم: احترام علما و اشراف و مرزداران و سرداران و دبیران و بندگان هر یک به قدر مراتبشان. پنجم: مراقبت قضات و تفتیش کار عمال به اقتضای عدالت پاداش درستکار و کفر بدکار. ششم: مراقب زندانیان که روزها در کارشان بنگری و از وضع بدکار مطمئن شوی و

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۴۹

بی گناه را رها نکنی. هفتم: مراقب راه ها و بازارها و نرخ ها و داد و ستد. هشتم: حسن تأدیب رعایای مجرم و اجرای مجازات ها. نهم: فراهم آوردن سلاح و لوازم جنگ. دهم: احترام فرزندان و کسان و خویشاوندان و تأمل در مصالح آنها. یازدهم: گماشتن مراقبان به دربندها تا حوادث بیم انگیز را پیش بینی کنند و پیش از وقوع علاج آن توان کرد. دوازدهم: مراقبت وزیران و بندگان و تعویض آنها که نادرست یا ناتوانند. (مسعودی، ۱۳۴۴: ج ۱/ ۲۶۲-۲۶۴) در واقع به نوعی راه و رسم کشورداری را متذکر می شود که در ازمنه مختلف قابل اجراست تا بدین طریق هم فرمانروایان با قدرت حکومت کنند و هم مردمان در آرامش زندگی نمایند. این مسئله باعث ثبات مملکت می شود زیرا اگر مشکلات داخلی کشور به حداقل برسد استحکام آن در برابر دشمنان بیشتر خواهد شد. بنابراین ترجمه این اثر گرانبها بر اخلاقیات و تربیت مسلمانان و سیره خلفا با توجه به محتوای غنی آن تا حدی مؤثر بود. همین امر اهمیت نظام تعلیم و تربیت دینی و شیوه اداره کشور ایرانیان باستان را در کنار آموزه های اسلامی عصر عباسی آشکار می سازد که چطور با بهره گیری از تجارب ایرانیان خلافت پهناور آنان اداره شد و به چه شکل با دشمنان و شورشیان برخورد نمودند و چگونه در صد سال نخست با قدرت حکمرانی نموده و نظام دیوانسالاری قدرتمندی جهت اداره قلمروهای خویش داشتند

۲-۵. داروی خورسندی:

با تلفظ *daruki xorsandih* (فره وشی، ۱۳۸۱: ۲۲۱)، این رساله درباره قناعت است. (بیات، ۱۳۷۷: ۵۹) که در آن زیاده خواهی نفی شده است. تألیف آن به نوعی نشان می دهد که دیانت زرتشت همانند دین مبین اسلام بدین مسئله توجه دارد و همانطور که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه بزرگوار به قناعت تأکید داشتند در احکام زرتشت نیز بدان پرداخته شده است.

بدین ترتیب توجه به مسئله قناعت در عصر باستان امری مهم بوده و در دوران اسلامی هم ادامه یافته است. شاید به نوعی قناعت آنها در اسلام هم به عنوان الگویی در نظر گرفته شده

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۰

باشد و مسلمانان با تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی که قرن ها به قناعت توجه کرده بودند آن را مطرح نمودند زیرا همان گونه که مشخص است دین اسلام از عناصر مثبت سایر ادیان بویژه مفاهیم و اندیشه های ایرانی تأثیرپذیر بوده است.

(Yarshater, Hovannisian, 1999: 55)

البته نباید فراموش شود که در دیانت اسلام با وجود این وام گیری ها، تلفیقی خوب با برطرف کردن نقاط ضعف احکام ادیان پیشین فراهم شده و نکات و مطالب ارزنده ای هم بر آن افزوده شده است و اینچنین مسلمانان از این فرامین بهره بردند.

۲-۶. شایست و ناشایست:

با تلفظ sayest ne sayest (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۶۰)، کتابی فقهی در دین زرتشت به زبان پهلوی است که زرتشتیان قرن گذشته به سبب اینکه از شایست ها و ناشایست ها سخن گفته است این نام را بر آن نهادند. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۷۹)، محققان اعتقاد دارند که بیشتر بخشهای اصلی کتاب به خاطر شیوایی و درستی زبان مربوط به دوران پیش از اسلام است و یا لاقفل در اواخر دوره ساسانی تألیف گردیده است. (شایست و ناشایست، ۱۳۹۶: ۱۳)، این کتاب حاوی مطالب مختلفی از قبیل مسائلی مانند: گناه، ثواب، مراسم و اعمال، برحذر داشتن از پلیدیها، رستاخیز، کفاره گناهان، کشتن بی جهت حیوانات، گناه مجرد بودن، گناه حرف زدن به هنگام غذا خوردن و مسائل اخلاقی در ده فصل است که متمم آن از فصل یازدهم تا بیست و سوم را شامل می شود. (همان: ۱۶-۱۷)، که همانند احکام شرعی اسلام به امر به معروف و نهی از منکر می پردازد و شباهت زیادی نیز به منابع اسلامی دارد که این موضوع نزدیکی دو آئین الهی را خاطر نشان می سازد و اهمیت معارف دینی را بیان می دارد.

۲-۷. بندهنش:

با تلفظ bun - dahisn (مکنزی، ۱۳۷۳: ۵۵)، از منابع مهم و معروف پهلوی به معنای سرچشمه آفرینش می باشد و تاریخ اساطیری و واقعی ایرانیان را از دوره پیشدادیان تا رسیدن

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۱

اعراب در سی و شش فصل در بر می گیرد. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۴)، از آن دو نسخه هندی و ایرانی شهرت دارد و در آن مطالبی راجع به خلقت و مسائل دینی دیگر و برخی امور تاریخی و جغرافیایی سخن می رود و مهمترین فصل برای ما بخش سی و سوم است به عنوان (اندرگزند تا پایان هزار هزاره که به ایرانشهر رسید). در این فصل یک دوره از تاریخ داستانی ایران را تا پایان دوران ساسانیان را می توان یافت که اهمیت بسیار دارد. در فصل سی و پنج به اصل و نسب کیانیان و در فصل سی و یک در باب نواحی مهم ایرانشهر که مقر کیانیان بود و قسمتی از فصل چهاردهم در باب گسستن فرشاهی از جمشید است و بر روی هم مطالب کتاب بخشی از اوستای ساسانی و زند را در بر می گیرد. قسمتی از فصل سی و سوم را دار مستتر در مجلد دوم از کتاب زند و اوستای خود ترجمه نمود و بر آن توضیحاتی نگاشت. (صفا، ۱۳۷۱: ۱۳۹)

از سویی نیز، در قسمت اول کتاب اطلاعات جالبی در حوزه آفرینش جهان و از همه مهمتر جغرافیای طبیعی همچون ستارگان، جانورشناسی، گیاه شناسی و زراعت، کوهها، دریاها، رودها، چارپایان سودمند، دریاچه ها، تولد موجودات، باد و باران و مواردی از این قبیل وجود دارد (بندش فرنیغ دادگی، ۱۳۸۰: ۶-۷ و تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۳) که باعث شد ترجمه آن با توجه به اینکه در قرآن کریم تا حدودی به این مسائل هم اشاره شده، مورد توجه عربها واقع شود و آنان بدین صورت دانسته های خود را تکمیل کنند و در نهایت، بر این اساس بعدها جغرافی نویسان و منجمان مسلمان در قرون اولیه هجری قمری از آن بهره جویند که از این حیث جالب توجه است.

در کنار متون فوق می توان به اندرزنامه اردشیر ساسانی با اینکه نمی توان آن را در زمره متون اصیل پهلوی به حساب آورد تا حدودی پرداخت. این کتاب که به مسائل دینی و اجتماعی اشاره دارد ظاهرا در دوران عباسیان و همگام با نهضت شعوبیه توسط روحانیون زرتشتی نگارش یافته است زیرا اثری از آن در دوره باستان وجود ندارد، با این حال برخی از پژوهشگران معتقدند که منصور عباسی با تأثیرپذیری از آن وصیت نامه خویش را نگاشته است. زیرا شباهتهای فراوانی بین این دو وجود دارد. (امانی چاکلی و منافی، ۱۳۹۴: ۱۱۱)

از جمله:

۱- «اتحاد دین و دولت، میانه روی، مهرورزی، آبادانی کشور، گماردن جاسوسان و آگاهی از احوال مردم در جامعه از طریق جاسوسان، توجه به امر زمان و برنامه ریزی در کارها، پرهیز از افراط و تفریط در امور و توجه به امر برید...»

۲- پرهیز از دروغ به عنوان سرچشمه بدی ها و سفارش به درستی و راستی، دانش اندوزی، توجه به حالت های روحی و فرهنگ مردم که تنها در اندرزنامه اردشیر وجود دارد...» (همان: ۱۲۸)

«در واقع، منصور با الگوبرداری از نظام پادشاهی ساسانی که در لفظ «السلطان» نیز نمودار گشته به فره ایزدی خود در قالب اسلامی اشاره می کند. او با ذکر جبل الله (المتین) یعنی به ریسمان محکم الهی، درصدد بود تا با عنایت به کارکرد ریسمان در امر اتصال دو چیز، قدرتش را به قدرت حق تعالی ربط دهد و بر این باور بود که برای حفظ آن نیز باید کوشید...» (همان: ۱۲۴)

ماحصل کلام اینکه، سیاست خلفا نیز تقویت سایر جریانات فکری (البته تا جایی که به ضرر دستگاه خلافت نبود) در جامعه اسلامی بود تا از این طریق بتواند به علویان آسیب برساند، پس به حمایت از پیروان ادیان مختلف پرداختند. نمونه آن را می توان در جلسه مناظره ای که مأمون با حضور امام رضا (ع) ترتیب داد مشاهده نمود که در آن محفل هیرید بزرگ زرتشتیان نیز حضور داشت. (پیشوایی، ۱۳۷۸: ۶۰) البته پیشوای بزرگ شیعیان در آن منظره با استدلال فقهی و با درایتی خاص پیروز شد اما عمل مأمون در برپایی چنین محفلی نشان دهنده کینه وی از شیعیان است که با متوسل شدن به بزرگان و روحانیان ادیان دیگر (البته با توصیه فضل بن سهل وزیر و مشاور تازه مسلمان خویش)، بویژه زرتشتیان درصدد ضربه زدن به خاندان عصمت و طهارت (ع) بود. پس طبیعی است که زرتشتیان بتوانند بدون ترس به فعالیت فرهنگی بپردازند.

۲-۸. جاویدان خرد:

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۳

مجموعه ای از اندرزهای پهلوی بود که موضوع آن به حکمت عملی اختصاص دارد و از زبان پهلوی به روزگار مأمون عباسی به عربی نقل گردید. در همین رابطه بعدها ابن مسکویه مورخ برجسته روزگار آل بویه (د. ۴۲۱ ه.ق) از آن استفاده کرد و کتابی را با همین عنوان گردآوری نمود. (حقیقت، ۱۳۸۶: ۲۶۳)

درباره ترجمه این رساله به اختصار این است که بنا به گفته فضل بن سهل ذوالریاستین وزیر مأمون، روزی خلیفه عباسی در خراسان هدایایی را از بزرگان و امیران دریافت کرد. پادشاه کابل هم در عوض پیر دانشمندی را که سراج الملک نام داشت به دربار وی روانه نمود و مأمون هم از رأی و تدبیر او بهره مند می شد تا زمانی که در نزاعی بین خلیفه و برادرش امین اتفاق افتاد این پیر دانا راهنمایی های ذیقیمتی به او کرد. و این کتاب ارزنده را که به قول خودش در ایوان مدائن موجود بود را معرفی نمود. خلیفه هم کس فرستاد تا وسط ایوان را بشکافتند و صندوق کوچکی از شیشه را در آن یافتند، پس توسط حسن بن سهل برادر وزیر به عربی ترجمه شد و مأمون از پندهای آن بهره ای وافر برد و بر آموخته هایش افزود و بدینسان از فرهنگ و اخلاق ساسانیان تأثیر پذیرفت. (محمدی ملایری، ۱۳۵۵: ۳۳۴-۳۳۸)

نتیجه

نتایج حاصله از این پژوهش نشان می دهد که، علمای زرتشتی علی رغم محدودیت هایی که در جامعه اسلامی داشتند اما به سبب فضای نسبتاً باز قرن دوم هجری، شرایط جغرافیای و نزدیکی به اقوام عرب نسبت به پیروان سایر ادیان توانستند تعدادی از متون پهلوی نگارش یافته در عصر ساسانی را ترجمه کنند و نیز در همین راستا آثار دیگری را هم در دوره عباسی تألیف کردند و بدین طریق بر تعداد کتب پهلوی دینی افزودند و با این اقدام سنن و هویت عصر باستان را حفظ نمودند و نگذاشتند آئین زرتشت به ورطه فراموشی سپرده شود. نکته دیگری که باید بدان اشاره نمود، حضور دبیران و وزرای ایرانی مانند خاندان برامکه در دستگاه حکومت عباسیان بود که به نوعی حتی مخفیانه از روحانیان زرتشتی حمایت کردند. وجود بیت الحکمه و نهضت ترجمه هم به نگارندگان متون پهلوی یاری رساند زیرا آنان با انتخاب

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۴

و ترجمه متون مهم و تأثیرگذار تلاش نمودند تا بر نگرش خلفا اثر گذارند، خلفا نیز به آنها توجه نمودند به طوریکه منصور عباسی وصیت نامه خویش را با تأثیر پذیری از اندرنامه اردشیر که در آن زمان به نقل از این پادشاه بزرگ ساسانی گردآوری شده بود بنگارد و یا برخی از احکام دینی زرتشتیان در احکام اسلامی وارد شد مثلاً توجه به قناعت و منکرات، عدالت و اخلاق نیکو با اینکه از ملزومات دین اسلام است اما توسط زرتشتیان قرن ها قبل بدان تأکید شده است. این مسائل سبب گردید تا پیروان دین زرتشت از منزلت ویژه ای بهره مند شوند و نسبت به دوره امویان وضعیت بهتری داشته باشند و در سایه خلافت پنهان عباسی آرامش نسبی داشته باشند و به اقدامات فرهنگی مبادرت ورزند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آذر فرنیغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید (۱۳۸۱)، کتاب سوم دینکرد، آراستاری، آوانویسی یادداشت ها و ترجمه از فریدون فضیلت، تهران، فرهنگ دهخدا.
- آذرفرن بغ، فرخ زادان (۱۳۷۶)، ماتیکان گجستگ ابالیس، ترجمه ابراهیم میرزایی ناظر، تهران، هیرمند.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، چ ۱۰، سمت.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات عربی، تهران، طوس.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۵۹)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، ج ۱، تهران، چ ۶، علمی و فرهنگی.
- الحافظ، محب الدین (۱۳۵۶ ه.ق)، ذخائرالعقبی، قاهره، مکتبه القدسی.
- الفاخوری، حنا (۱۹۶۰)، الجامع فی التاریخ الادب العربی، بیروت، دارالجمیل.

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۵

- امانی چاکلی، بهرام و منافی، رقیه، مقایسه جنبه های مختلف اندرنامه اردشیر ساسانی و وصیت نامه منصور عباسی، دوفصلنامه علمی - ترویجی سخن تاریخ، س ۹، ش ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۳۳.

- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، دانشنامه مزدیسنا، تهران، مرکز.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره.

- بندهش فرنیغ دادگی (۱۳۸۰)، ترجمه مهرداد بهار، تهران، چ ۲، توس.

- بویس، مری (۱۳۸۵)، زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، چ ۷، ققنوس.

- بیات، عزیزاله (۱۳۷۷)، شناسایی منابع و مآخذ ایران از آغاز تا سلسله صفویه، تهران، امیرکبیر.

- پورداود، ابراهیم (۱۳۸۷)، اوستا، تهران، چ ۵، دنیای کتاب.

- پیشوایی، مهدی (۱۳۶۰)، شرح زندگانی امام رضا (ع)، تهران، چ ۲، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.

- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن.

- جاحظ، ابو عثمان (۱۹۸۶)، البیان و التبیان، بیروت، چ ۳، دارالفکر للجمع.

- (۱۹۱۴)، التاج فی اخلاق الملوک، تحقیق احمد زکی پاشا، بغداد.

- حسینی، علیرضا (۱۳۹۴)، نقش ایرانیان مسلمان در توسعه و گسترش زبان عربی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۱، بهار. صص ۲۷ - ۵۰.

- حسینی، علیرضا و اسمعیلی، پوریا (و دیگران)، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی زبان و ادبیات عصر ساسانی با زبان و ادبیات عرب در قرن دوم هجری قمری، تهران، ترنم بهار.

- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۸۶)، حکومت دینی ساسانیان، تهران، کومش.

- حموی، یاقوت (۱۳۲۳ ه.ق)، معجم البلدان، ج ۴، مصر.

- دینوری، ابوحنیفه احمد (۱۳۸۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ ۶ تهران، نی.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، تاریخ مردم ایران، ج ۲، چ ۸، امیرکبیر.

- (۱۳۸۳)، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، چ ۱۰، امیرکبیر.

- (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، تهران، چ ۱۰، امیرکبیر.

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۶

- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۷۲)، **سیر فرهنگ در ایران**، قزوین، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
- **شایست و ناشایست** (۱۳۹۶)، آوانویسی و ترجمه از کتابون مزدا پور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۵)، **جنبش های دینی و ایرانی در قرنهای دوم و سوم هجری**، تهران، چ ۲، پازنگ.
- صفا، ذبیح اله (۱۳۵۶)، **تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی**، تهران، چ ۴، امیرکبیر.
- (۱۳۶۹)، **حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری**، تهران، چ ۵، امیرکبیر.
- (۱۳۷۱)، **تاریخ ادبیات ایران در قلمرو زبان پارسی از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی**، تهران، چ ۱۲، فردوسی.
- ضیف، شوقی (۱۹۶۰)، **تاریخ الادب العربی**، دارالمعارف المصر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، **تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۴. چ ۲. تهران، اساطیر.
- فرای، رن (۱۳۸۰)، **تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقیان**، ترجمه حسن انوشه، چ ۴، تهران، چ ۶، امیرکبیر.
- فره وشی، بهرام (۱۳۸۱)، **فرهنگ فارسی به پهلوی**، چ ۳، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- **کتاب پنجم دینکرد** (۱۳۸۶)، آوا نویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه نامه، متن پهلوی از ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، معین.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۵۵)، **فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی**، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۴۴)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکنزی، دن (۱۳۷۳)، **فرهنگ کوچک زبان پهلوی**، ترجمه مهشید میر فخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مؤلف گمنام (۱۳۱۴)، **تاریخ سیستان**، تصحیح ملک الشعراى بهار. تهران، چاپ کلاله خاور.

تأثیر ترجمه تعدادی از متون پهلوی دینی...؛ رحیمی و اسماعیلی ۱۵۷

- نرشخی، ابوبکر (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن نصر القباوی، تصحیح مدرس رضوی، تهران، توس.

- یعقوبی، احمد (۱۳۴۳)، تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

-Yarshater, Ehsan, Richard. G. Hovannisian an Georges Sabagh. Eds (1999), The Persian presence in the Islamic world, New york: Conbridge university press.